

کمک خارجی چین و خیزش قدرت سیاسی آن در نظام بین‌المللی (۲۰۰۰-۲۰۲۲)

امید خزایی^۱، سعید میر ترابی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

چکیده: اهداف سیاسی همواره از مهمترین انگیزه‌های ارائه کمک در عرصه بین‌المللی بوده است. در شرایطی که چین بر مبنای آمار منتشر شده به دومین اهدا کننده کمک در عرصه بین‌المللی پس از ایالات متحده تبدیل شده و از سوی دیگر رهبران پکن عزم خود را برای تبدیل کشورشان به قدرت اول بین‌المللی اعلام کرده اند، تحلیل انگیزه گسترش کمک‌های خارجی چین شایسته توجه است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تبیینی به دنبال پاسخ به این پرسش است که رهبران چین چگونه از برنامه کمک خارجی خود در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، در راستای زمینه سازی برای خیزش قدرت این کشور در عرصه بین‌المللی بهره گرفته اند؟ پاسخی که به عنوان فرضیه به این پرسش داده شده این است «دولت چین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ تلاش کرده است با گسترش کمی و توسل به روش‌های نوین در ارائه کمک خارجی، قدرت خود را هم در عرصه روابط دو و چندجانبه و هم در عرصه نظم بین‌المللی گسترش بخشد.» یافته مقاله و ماهیت بدیع آن این است که اگرچه برنامه کمک خارجی چین ویژگی‌های منحصر به فردی دارد اما می‌توان شاخص‌هایی دقیق را در تحلیل پیوندهای میان برنامه کمک خارجی و اهداف سیاست خارجی آن برای تبدیل شدن به یک قدرت عمده بین‌المللی نشان داد.

واژگان کلیدی: چین، کمک خارجی، سیاست خارجی، نظم بین‌المللی، قدرت بین‌المللی

۱. دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. استادیار روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

چین در سال‌های اخیر در عرصه سیاسی تبدیل به یک بازیگر بسیار مهم بین‌المللی شده است و افزایش کنشگری بین‌المللی و ظهور این کشور به عنوان یک بازیگر فعال در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی داشته است. رهبری این کشور چه از طریق گفتگوهای جهانی آب و هوا، چه اصلاح نظام اقتصادی و مالی جهانی یا چالش‌های امنیتی بین‌المللی، از فرصت‌های خود برای مشارکت در ساختن یک نظام بین‌المللی چند قطبی و حفاظت و پیگیری منافع خود در سیاست جهانی استفاده می‌کند. یکی از ویژگی‌های اصلی رشد این کشور در امور بین‌الملل، توانایی آن در همسویی و همکاری با سایر کشورها بوده است. در سال‌های اخیر، پکن با استفاده از باشگاه‌های بین‌دولتی با قدرت‌های درحال ظهور در چارچوب بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) و با روسیه و همسایگان آسیای مرکزی آن از طریق سازمان همکاری شانگهای مواضع سیاسی خود را هماهنگ کرده و به طور مشترک اهرم دیپلماتیک و نفوذ و تاثیرگذاری خود را افزایش داده است.

گزارش کنگره نوزدهم حزب که در سال ۲۰۱۷ برگزار شد، حاوی دستورالعمل‌هایی است که هم حمایت از نظام بین‌المللی و هم تمرکز فزاینده بر گسترش نفوذ چین در این نظام را نشان می‌دهد. این گزارش، بلندپروازی‌های پکن را برای تبدیل شدن چین به یک قدرت پیشرو جهانی نشان می‌دهد. در این بیانیه آمده است که تا اواسط قرن حاضر، چین به دنبال تبدیل شدن به یک رهبر جهانی با نفوذ و تاثیرگذاری بین‌المللی است (Mazarr et al, 2018: 15-16).

چین در راستای اهداف سیاسی خود همواره از ابزارهای مختلفی استفاده نموده که یکی از این ابزارها که توسل به آن به ویژه در دو دهه اخیر به شکلی بی سابقه افزایش یافته کمک‌های خارجی بوده است. رشد اقتصادی مستمر چین، سبب شد این کشور به یکی از مهمترین بزرگترین اهداکنندگان کمک در عرصه بین‌المللی تبدیل گردد. برنامه این کمک‌ها در طول زمان به لحاظ کمی و کیفی تغییراتی در پی داشته و از سال ۲۰۰۰ کمک‌های چین به طرز چشمگیری افزایش داشته است. ظهور چین به عنوان یک اهداکننده بزرگ کمک، پیامدهای قابل توجهی در عرصه سیاست خارجی بر جا گذاشته است و چین به پشتوانه این رشد و افزایش توان مالی و برای تثبیت و به حداکثر رساندن قدرت خود در نظام جهانی تلاش‌هایی را صورت داده و استراتژی‌ها و طرح‌های مختلف کمک خارجی را ارائه و اجرا نموده است.

در همین راستا، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که رهبران چین چگونه از برنامه کمک خارجی خود در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، در راستای زمینه سازی برای خیزش قدرت این کشور در عرصه بین‌المللی بهره گرفته اند؟ پاسخی که به عنوان فرضیه به این پرسش داده شده این است «دولت چین در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ تلاش کرده است با گسترش کمی و توسل به روش‌های نوین در ارائه کمک خارجی، قدرت خود را هم در عرصه روابط دو و چندجانبه و هم در عرصه نظم بین‌المللی گسترش بخشد.» بر این اساس، مقاله، ضمن توصیف ماهیت و تنوع کیفی و کمی برنامه‌های کمک خارجی چین، کوشیده است رابطه میان گسترش برنامه کمک خارجی چین و خیزش قدرت آن را بر اساس شاخص‌هایی که بر مبنای الگوی نظری تحقیق به دست خواهد آمد، تبیین نماید.

۲. ادبیات و پیشینه پژوهش

لازم به ذکر است ادبیاتی که در ارتباط مستقیم و کاملاً منطبق با موضوع این پژوهش باشد، در متون فارسی یافت نشده است. در متون فارسی اعم از مقاله، کتاب و پایان‌نامه‌ها، موضوع کمک‌های خارجی، که از مباحث مرتبط با حوزه اقتصاد سیاسی بین‌المللی است، به شکلی مستقل کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در منابع انگلیسی، با عنایت به حساسیتی که خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی برانگیخته، به موضوع کمک خارجی این کشور نیز توجه شده است. با این حال در این ادبیات، به شکلی منظم پیوند کمک‌های خارجی چین با برنامه خیزش قدرت آن در عرصه‌های دو و چندجانبه و بین‌المللی آن گونه که در مقاله حاضر بررسی می‌گردد، توجه نشده است. بر همین مبنای ادبیات موجود در این حوزه را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

۱- ادبیاتی که به بحث‌های کلی در زمینه ارائه کمک خارجی، ماهیت و روندهای آن در عرصه اقتصاد سیاسی و بین‌المللی پرداخته‌اند. در همین راستا، در کتاب «اقتصاد سیاسی جهانی» (کوهن، ۱۳۹۷) به طور کلی به بررسی روند کمک‌ها توجه شده است و کمک‌های خارجی ایالات متحده را به اروپای غربی در قالب طرح مارشال بررسی می‌نماید و در ادامه به انواع کمک و دلایل اهدای آن پرداخته و کارایی کمک خارجی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

مقاله «کمک خارجی: آثار مثبت و منفی آن بر کشورهای درحال توسعه»^۲ (Thapa, 2020) ابتدا یک تعریف از کمک خارجی ارائه و سپس به آثار منفی و مثبت کمک‌ها در کشورهای دریافت‌کننده می‌پردازد. نویسنده مقاله کمک خارجی را دارای آثار منفی و مثبت می‌داند و این بحث را در ارتباط با وضعیت کشورهای آفریقایی دریافت‌کننده کمک بررسی کرده است.

مقاله «رقابت و همکاری در معاملات کمک برای سیاست»^۳ (Mesquita & Smith, 2016) به بررسی روند کمک‌های خارجی پرداخته و به این موضوع اشاره می‌کند که وجود رقیب، هزینه اهداکنندگان را افزایش می‌دهد و در این مورد به افزایش هزینه‌های آمریکا پس از ورود جدی شوروی سابق به این عرصه اشاره می‌کند.

۲- ادبیاتی که به‌طور مشخص موضوع کمک‌های خارجی چین را مورد بررسی قرار داده‌اند. در همین ارتباط،

مقاله «تحولات اقتصاد سیاسی چین و افزایش سریع کمک‌های خارجی آن به آفریقا» (میرترابی و ساری اصلانی، ۱۳۹۹) کمک‌های خارجی چین در سال‌های نخست قرن جدید و ارائه آن به طیف وسیعی از کشورها خصوصاً آفریقا را بررسی کرده و پیامدهای این اقدام، انگیزه‌ها و علل آن را با توجه به انگیزه‌های پکن به عنوان کمک‌کننده و نیازهای جوامع آفریقایی را به عنوان دریافت‌کننده بررسی نموده است.

مقاله «چالش چین در برابر ایالات متحده؛ رقابت بر سر جایگاه و الگوی کمک خارجی» (میرترابی، ۱۳۹۹) به حضور پررنگ چین در ارائه کمک‌های خارجی پرداخته و نشان داده است که چین از منظر ارائه کمک خارجی، عرصه جدیدی برای رقابت با ایالات متحده گشوده است. مقاله در ادامه به تاثیرگذاری این حضور بر جایگاه و الگوی ایالات متحده در ارائه کمک خارجی با توجه به رویکرد و الگوی متفاوت چین در این زمینه پرداخته و آن را عاملی برای ایجاد و افزایش رقابت بین این دو کشور تلقی کرده است.

مقاله «فعالیت‌های کمک‌های خارجی چین در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی»^۴ (Lum, 2009) تأثیر حضور اقتصادی چین در این سه منطقه با تأکید بر کمک‌های خارجی

2. Foreign Aid: Positive and Negative Impact in Developing Countries
3. Competition and Collaboration in Aid-for-Policy Deals
4. China's Foreign Aid Activities in Africa, Latin America, and Southeast Asia

دوجانبه بررسی شده است. مقاله نشان می‌دهد که چین از طریق ارائه کمک خارجی به دنبال تقویت حضور دیپلماتیک خود در این مناطق و نشان دادن حسن نیت بین‌المللی‌اش از طریق تامین مالی پروژه‌های توسعه زیرساخت‌ها و منابع طبیعی در بسیاری از کشورهای درحال توسعه است. با این حال مقاله به اهداف سیاسی چندجانبه و مرتبط با نظم بین‌المللی در زمینه ارائه کمک خارجی چین اشاره نکرده است.

مقاله «استراتژی توسعه کمک‌های چین»^۵ (Nowak, 2015) تفاوت کمک‌های چین با سایر اهداکنندگان سنتی کمک را بررسی کرده و نشان داده است که برنامه کمک چین، دربرگیرنده اهداف اقتصادی، دیپلماتیک و استراتژیک است. استراتژی‌های سیاست کمک‌های توسعه‌ای چین طی سال‌ها درحال تکامل بوده است اما تغییرات کیفی و تاثیر این کمک‌ها بر خیزش قدرت جهانی چین که در پژوهش حاضر به بررسی آن توجه شده است مورد توجه قرار نگرفته است.

کتاب «مشارکت چین در همکاری‌های توسعه بین‌المللی: وضعیت مورد بحث»^۶ (Zhang, Gu & Chen, 2015) به بررسی تحولات اخیر گفتمان چین در مورد توسعه و کمک می‌پردازد.

کتاب، به دنبال بررسی این است که چگونه سیاست‌گذاران و محققان تأثیرگذار چین نقش این کشور را در زمینه کمک‌های توسعه بین‌المللی، به‌ویژه با در نظر گرفتن چین به‌عنوان یک قدرت درحال ظهور درک می‌کنند. کتاب بیشتر به بررسی روند و تحول و تجربه کمک‌های چین در سال‌های مختلف توجه کرده و در زمینه مرتبط کردن این کمک‌ها با اهداف سیاسی چین در حوزه اهداف دو و چندجانبه و اهداف مرتبط با نظم بین‌المللی با توجه به اهداف کلان چین از ارائه کمک که موضوع پژوهش حاضر است، کار بسنده‌ای انجام نداده است.

درست است که پیوند میان کمک خارجی و پیگیری اهداف سیاست خارجی پدیده‌ای شناخته شده است اما باید توجه داشت که کاربرد این بحث درباره چین از دو منظر واجد ویژگی نوآورانه است:

الف- نخست اینکه همان گونه که در ادبیات تحقیق نشان داده شد در منابع فارسی اساساً

5. China's Development Aid Strategies

6. China's Engagement in International Development Cooperation: The State of the Debate

موضوع کمک خارجی چین، چندان مورد توجه نبوده است. ضمن اینکه در منابع انگلیسی نیز که هم موضوع کمک خارجی چین مطالعه شده و هم پیوند آن با اهداف سیاست خارجی این کشور مطرح شده، بحث‌ها در قالب کلان و شاخص‌ها و حوزه‌هایی که در مقاله ذکر شده، صورت پذیرفته است. بنابراین از این نظر مقاله واجد نوآوری است.

ب- همان گونه که مقاله نشان می‌دهد کمک خارجی چین، الگوی ویژه‌ای دارد که در قالب تعریف‌های رسمی از کمک خارجی به سادگی نمی‌گنجد و همین موضوع، بررسی پیوند این الگوی ویژه از ارائه کمک را با پیگیری اهداف سیاست خارجی ارائه کننده آن، واجد نوآوری می‌سازد. در واقع بخش مهمی از ساختار بحث و تحلیل مقاله به بررسی و تحلیل پیوند میان الگوی خاص کمک خارجی چین و انگیزه‌های سیاسی ارائه کمک توسط این کشور پرداخته است.

در هر حال می‌توان نتیجه گرفت که سنجش رابطه میان برنامه کمک خارجی چین و خیزش قدرت بین‌المللی آن در حوزه‌ها و شاخص‌های مورد بررسی در این مقاله از اساس کار بدیعی محسوب می‌گردد.

۳. چارچوب نظری: کمک خارجی در قرائت واقع‌گرایانه

تحقیق در مورد کمک‌های خارجی اهمیت نظری زیادی دارد. انگیزه‌های اهداکنندگان پیچیده است و کمک خارجی همواره ابهام‌هایی را برانگیخته است. مکاتب مختلف روابط بین‌الملل نیز توضیحات متفاوت و بعضاً رقیبی برای انگیزه‌های دولت‌ها در ارائه کمک مطرح کرده‌اند. واقع‌گرایان که در این تحقیق نیز ایده آنها مدنظر قرار گرفته بر این باورند که کمک خارجی به صورت ابزاری است که اهداکنندگان از آن برای تقویت قدرت و امنیت خود استفاده می‌نمایند (Pankaj, 2005:118-119). این ایده که کمک خارجی، دستکم یکی از ابزارهای عمده در خدمت اهداف سیاست خارجی کشورهای کمک‌دهنده است، مورد تأیید عموم صاحب نظران مسائل اقتصاد سیاسی بین‌الملل است (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳؛ بالام و وست، ۱۳۹۷؛ کوهن، ۱۳۹۲). در همین راستا، ایالات متحده کمک خارجی خود را عمدتاً با هدف تثبیت نظم جهانی و پیشبرد منافعش ارائه کرده است. این کمک‌ها در اساس بخشی از راهبرد گسترده‌تر ایالات متحده در خلال جنگ سرد و در دوران جدیدتر بخشی از راهبرد کلان آن در مبارزه با تروریسم بوده است (Kilby, 2018: 3)

از دیدگاه بسیاری از ناظران واقع‌گرا، کمک‌های خارجی بر اساس الگوهای قدرت ساختاری در نظام بین‌الملل اداره می‌شود. کمک مانند دیپلماسی، تبلیغات، یا اقدام نظامی ابزاری برای حکومت‌داری است. این امر به منظور ارتقای روابط دیپلماتیک با کشورهای دریافت‌کننده، تقویت ثبات در کشورهای دارای اهمیت استراتژیک، گسترش بازارهای صادراتی و تامین واردات استراتژیک، و افزایش شهرت در مجامع بین‌المللی صورت می‌پذیرد. همچنین می‌تواند توجیه اخلاقی برای تخصیص منابع توسط اهداکننده فراهم کند (Malacalza, 2019: 12).

۳-۱. تعریف کمک خارجی

کمک خارجی اصطلاحی چندوجهی است که در زمینه‌های مختلف معانی متفاوتی را بیان می‌کند. به عنوان مثال، کمک خارجی گاهی به معنای انتقال منابع دولتی بین کشورها است درحالی‌که در مواردی دیگر، به ابزار سیاست خارجی اشاره دارد. علاوه‌براین، اشکال مختلف کمک‌های خارجی نیز آن را شامل سطوحی از معانی می‌کند. بنابراین، ضروری است که اصطلاح کمک خارجی را به طور کامل تعریف کنیم که پایه و اساس تحلیل‌های بعدی را ایجاد کند.

در معنای محدود کمیته کمک به توسعه^۷، کمک‌های رسمی توسعه را شامل کمک‌های بلاعوض یا وام‌هایی به کشورهای درحال توسعه تعریف کرده است که، الف) توسط بخش رسمی انجام شود؛ ب) ارتقای توسعه اقتصادی و رفاه هدف اصلی آن است؛ ج) با امتیاز شرایط مالی در صورت وام، داشتن عنصر کمک مالی حداقل ۲۵ درصد همراه باشد. این تعریف شامل کمک‌های نظامی، کمک‌های فرهنگی و کمک به ارتقای صادرات نمی‌شود و این در واقع همان کمک‌های رسمی توسعه^۸ است که به طور گسترده پذیرفته شده است (Lancaster, 2007: 9-11).

اما با توجه به موضوع پژوهش، تعریف خاص چین از کمک از اهمیت بسزایی برخوردار است. چینی‌ها، تعریفی موسع‌تر از کمک را مد نظر قرار می‌دهند زیرا معتقدند که حتی یک تعریف محدود از کمک خارجی، باید شامل کمک‌های توسعه، کمک‌های بشردوستانه اضطراری و کمک‌های نظامی و فرهنگی هم باشد. این امر در مقاله آکادمیک لیو لیون، کارشناس سیاست کمک خارجی چین، مشهود است که تعریف گسترده‌ای را از این مقوله ارائه کرده که شامل کمک‌های توسعه، نظامی و

7. Development Assistance Committee

8. official development assistance

بشردوستانه می‌شود (liyun, 2005). همچنین تنها به کمک بین‌دولتی که یکی از ویژگی‌های مدنظر اهداکنندگان سستی است، محدود نمی‌شود بلکه کمک غیردولتی دو و چندجانبه را هم شامل می‌شود.

۲-۳. کمک و اهداف سیاست خارجی

کمک از دیرباز یکی از ابزارهای اولیه‌ای است که دولت‌ها برای بهبود روابط دیپلماتیک و دستیابی به منافع ملی که در رویکرد واقع‌گرا اصل اساسی هدایت سیاست خارجی دولت‌های اهداکننده است پی می‌گیرند. در این زمینه، افزایش حمایت از مواضع سیاسی اهداکننده و تغییر نگرش عمومی به گونه‌ای که احتمالاً اهداکنندگان را در برابر تهدیدات فراملی ایمن‌تر و برای جلب همکاری دریافت‌کنندگان توانمندتر کند، مورد توجه بوده است (Dietrich et al, 2017: 133).

بحث در مورد عوامل سیاسی تعیین‌کننده کمک‌های خارجی را می‌توان به چندین دهه قبل از زمانی که کمک‌های خارجی توسط ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در جریان جنگ سرد به عنوان ابزار سیاست خارجی برای به دست آوردن قلب‌ها و ذهن‌ها استفاده شد، ردیابی کرد (Morgenthau, 1962). تقریباً همه دولت‌های کمک‌کننده از کمک‌ها برای اطمینان از دسترسی سطح بالا به مقامات دولتی دریافت‌کننده کمک استفاده کرده‌اند، و افزایش کمک‌ها اغلب به عنوان نمادی از تلاش‌های دولت‌های اهداکننده کمک برای پیگیری منافع ملی و دیپلماتیک بوده است (Lancaster, 2007: 26). با عنایت به ادبیات نظری موجود و برای تمهید رویکرد نظری مناسب به منظور تحلیل فرضیه، به‌طور کلی می‌توان اهداف کمک‌کنندگان در حوزه سیاسی را در پیوند با اهداف دو و چندجانبه و اهداف در پیوند با نظام بین‌المللی تقسیم‌بندی نمود.

۱-۲-۳. اهداف مرتبط با روابط دو و چندجانبه

الف. افزایش نفوذ، ایجاد ذهنیت مثبت و بهبود روابط دو و چندجانبه

یکی از جنبه‌های بسیار مهم و به نوعی از اهداف اصلی ارائه کمک از سوی اهداکنندگان، افزایش نفوذ و یا تقویت روابط سیاسی خود با دریافت‌کنندگان کمک است. گلداسمیت، هوریوچی و وود در سطح ملی دریافتند که افزایش بودجه برای طرح اضطراری رئیس‌جمهور ایالات متحده برای کمک به مقابله با ایدز، با بهبود نگرش نسبت به ایالات متحده مرتبط بوده است. در بنگلادش، دیتریش، محمود و وینترز دریافتند که درحالی‌که اکثر شهروندان به طور دقیق پروژه‌های تحت حمایت کمک را به ایالات متحده نسبت نمی‌دهند، هنگامی که از منبع بودجه برای این پروژه‌ها مطلع می‌شوند، درک

آنها از ایالات متحده بهبود می‌یابد. بحث در مورد تأثیر کمک‌ها بر نگرش جمعیت دریافت‌کننده به ویژه با ظهور چین به عنوان تامین‌کننده برجسته کمک به فقیرترین کشورهای جهان، به ویژه در آفریقا، برجسته شده است. چین از اوایل تشکیل جمهوری خلق چین کمک را به عنوان یک ابزار سیاسی مفید برای بهبود روابط و بهبود چهره خود در نظر گرفته است (Bluhm et al, 2018).

ب. پیگیری منافع ملی

مکتب واقع‌گرا، که کمک‌های خارجی را عمدتاً براساس قدرت و منافع ملی کشور اهداکننده تعریف می‌کند، آن را ابزاری برای استعمار نو می‌داند. این رویکرد، جریان کمک‌ها از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای درحال توسعه را از این منظر بررسی کرده و خاطرنشان کرده است که کمک خارجی، سلاح جدیدتر، ارزان‌تر و ظریف‌تر کشورهاست، زیرا برای ارتقای منافع ملی کشورهای کمک‌کننده به کار می‌رود. این منافع می‌تواند فرضاً شامل حفظ یک رژیم خاص در قدرت، دسترسی استراتژیک به مکان‌های مهم، تهیه مواد خام استراتژیک و سایر مواد خام مهم، کسب رای مثبت در مجمع سازمان ملل متحد، خدمت به اهداف ایدئولوژیک مانند مهار گسترش کمونیسم، ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری، فروش کالاهای مازاد و تحمیل بسته‌های سیاست‌های کلان اقتصادی و آزادسازی اقتصادی در کشورهای دریافت‌کننده باشد (Nelson, 1968: 1-30).

بنابراین اهداکنندگان سالانه میلیاردها دلار برای کمک به فقیرترین کشورهای جهان هزینه می‌کنند. فراتر از اهداف تجاری و توسعه‌ای، کمک‌ها با هدف ایجاد حمایت از کشور اهداکننده در میان جمعیت‌های دریافت‌کننده، و انتقال اصول سیاسی در راستای جهان‌بینی اهداکننده ترویج می‌شوند. با گذشت زمان، کمک‌ها ممکن است جمعیت دریافت‌کننده و دولت‌هایشان را وادار کند که به طور فزاینده‌ای از اهداف سیاست خارجی کمک‌کننده استقبال کنند، تا جایی که دریافت‌کنندگان کمک آنچه را که اهداکنندگان می‌خواهند، طلب کنند.

۲-۳. اهداف مرتبط با نظم بین‌المللی

الف. کسب حمایت بین‌المللی

حفظ تصویر عمومی مثبت در خارج از کشور برای دستیابی به طیف گسترده‌ای از اهداف سیاست خارجی ضروری است و تغییرات در ادراکات داخلی سایر کشورها نیز تغییراتی را در سیاست خارجی نسبت به آن کشورها ایجاد می‌کند. همسویی ایدئولوژیک، اهرم کلیدی نفوذ

سیاست خارجی به ویژه برای قدرت‌های بزرگ است. این قدرت‌ها به کشورهای فقیر نیاز دارند تا از ارزش‌های اساسی‌شان حمایت کنند (Goldsmith et al, 2014). در همین راستا، فرضاً در زمینه رای گیری در مجامع بین‌المللی درباره مسائل حائز اهمیت برای قدرت‌های بزرگ، ابزار کمک خارجی، اهمیت بسیاری پیدا می‌کنند. طبق سنت معمول، کشورهای فقیرتر معمولاً در ازای دریافت کمک یا حتی وعده دریافت کمک، از مواضع قدرت‌های بزرگ حمایت کرده‌اند.

ب. بهبود چهره بین‌المللی به عنوان دولت مسئولیت‌پذیر

یکی از اهداف بین‌المللی از ارائه کمک، بهبود چهره بین‌المللی و معرفی کمک دهنده به عنوان یک کشور متعهد و مسئولیت‌پذیر در نظام بین‌الملل است. در واقع کمک‌ها به عنوان ابزار قدرت نرم کشورهای اهداکننده عمل می‌کنند که به بهبود چهره اهداکنندگان آن کمک می‌کند. نای قدرت نرم را به عنوان «توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران» از طریق یک حس گسترده جاذبه به جای انگیزه‌ها یا تحریم‌های خاص تعریف می‌کند. بنابراین کمک می‌تواند به عنوان منبع قدرت نرم یا قدرت سخت یا هر دو باشد. کمک زمانی به عنوان ابزار قدرت سخت عمل می‌کند که دولت‌های دریافت‌کننده را وادار می‌کند تا موضوعی سیاسی اتخاذ کنند که در غیر این صورت ممکن است نپذیرند و این زمانی به عنوان ابزار قدرت نرم عمل می‌کند که تمایل به کشور اهداکننده و ارزش‌هایی را که از آن حمایت می‌کند را افزایش دهد (Naye, 2004: 5).

کارآمدی کمک به عنوان منبع قدرت نرم به ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که چندین کمک‌کننده با برنامه‌های سیاست خارجی متضاد به دنبال استفاده از کمک برای به دست آوردن قلب‌ها و اذهان در یک دسته از کشورها و در یک زمان هستند و اثرات کمک‌های ارائه‌شده توسط یک اهداکننده ممکن است با اثرات جبران‌کننده کمک‌های ارائه‌شده توسط دیگری خنثی شود (Bueno et al, 2016).

۴. انتقال ارزش‌های اهداکنندگان و توسعه صلح و رفاه بین‌المللی

رویکرد آرمان‌گرا، جریان کمک‌های اقتصادی از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای درحال توسعه را برای حفظ صلح و رفاه جهانی مثبت می‌داند. همچنین استدلال می‌شود که کشورهای توسعه‌یافته موظف هستند که به کشورهای درحال توسعه کمک کنند. مؤسسات اهداکننده چندجانبه از دیگر

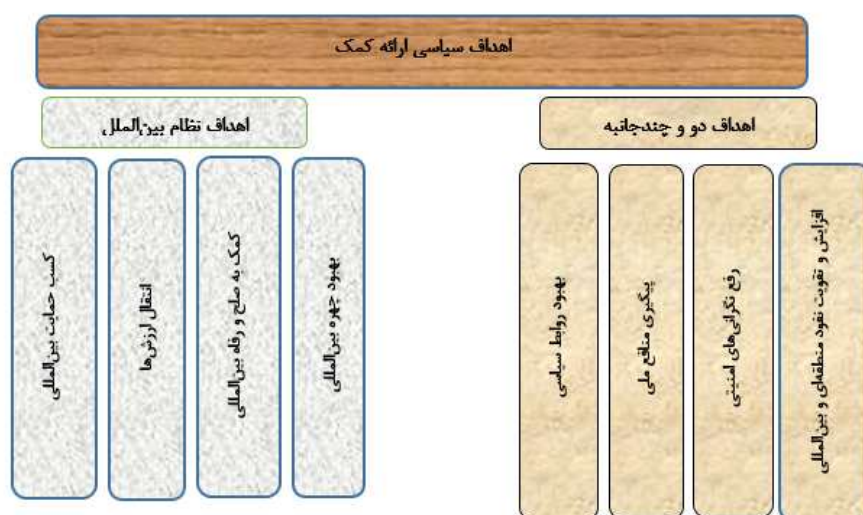
پیشگامان مهم این دیدگاه هستند. کمیسیون پیرسون^۹ و گزارش کمیسیون مستقل توسعه بین‌المللی^{۱۰} دو خط مشی شاخص در این زمینه هستند. اولی نه تنها از کشورهای توسعه یافته درخواست کرده است تا کمک‌های رسمی را به بیش از ۷ درصد تولید ناخالص ملی خود افزایش دهند، بلکه همچنین تأکید کرده که عملیات کمک‌رسانی باید معنادارتر، مفیدتر و برای دو طرف سودمندتر شود (Kumar, 1983: 285).

در طول جنگ سرد و بعد از آن در دوره جنگ علیه ترور^{۱۱}، کمک به توسعه به عنوان ابزاری برای کاهش نارضایتی اجتماعی که می‌تواند وسوسه‌های کمونیسم را تقویت یا تروریست‌ها را تغذیه کند، در نظر گرفته شده است. اما ترویج توسعه نیز به خودی خود یک هدف بوده است. بهبود زندگی افراد محروم در خارج از کشور، به عنوان بازتابی از ارزش‌های نوع‌دوستی، عدالت اجتماعی و همبستگی بین‌المللی از سوی کشور ارائه‌دهنده کمک است. کمک برای مقاصد فرهنگی معمولاً شامل تلاش‌هایی برای حمایت از استفاده از زبان یک کشور در سرزمین‌های خارجی، عمدتاً از طریق تأمین مالی فعالیت‌های آموزشی به آن زبان است. این هدف از کمک اغلب در برنامه‌های قدرت‌های استعماری سابق در سرزمین‌های سابقشان، مانند فرانسه، ایتالیا و پرتغال مشهود است (Kumar, 1983: 287).

در جمع‌بندی از مباحث بالا و به عنوان ارائه چارچوبی برای تحلیل فرضیه مطرح شده در مقاله، می‌توان اهداف سیاسی جریان کمک خارجی چین را در دو حوزه اهداف دو و چندجانبه و اهداف مرتبط با نظم بین‌المللی تقسیم‌بندی کرد و در هر حوزه به شرح زیر، شاخص‌هایی را برای پیوند میان ارائه کمک و هدف سیاسی مرتبط با آن در نظر گرفت.

شکل ۱-۱. اهداف سیاسی ارائه کمک خارجی

9. Pearson Commission
10. Independent International Development Commission
11. War on Terror



منبع: نویسندگان

۵. روند تحول در کمک خارجی چین

قبل از شروع بررسی کمک‌های خارجی چین، بررسی مختصری از ویژگی‌های کمک‌های خارجی چین مورد نیاز است. از زمانی که چین کمک‌های خارجی را در سال ۱۹۵۰ آغاز کرد، به صراحت از کمک‌های مالی سستی که توسط قدرت‌های غربی ارائه می‌شد، فاصله گرفت. اولین سند سفید چین در مورد کمک‌های خارجی که در آوریل ۲۰۱۱ منتشر شد، به وضوح بیان می‌کند که کمک‌های خارجی چین به همکاری جنوب-جنوب و کمک‌های متقابل بین کشورهای در حال توسعه تعلق دارد (State Council, 2011: 22). این نکته به‌عنوان یک اصل اساسی برای کمک‌های چین حفظ شده و ابزاری برای چین بوده است تا فشار و انتقادهای ارائه شده توسط اهداکنندگان سستی در مورد مسائل شفافیت و همکاری کمک‌ها را از بین ببرد. تفاوت‌هایی در محاسبات کمک بین چین و اهداکنندگان سستی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، کمک‌های نظامی و ساخت اماکن ورزشی در کمک‌های چین گنجانده شده است، اما کمک‌های اهداکنندگان سستی آنها را به حساب نمی‌آورند. از سوی دیگر، هزینه‌های پناهندگان تازه وارد در کشورهای میزبان توسط اهداکنندگان سستی به عنوان کمک تعریف می‌شود، اما در بودجه کمکی چین این مورد گنجانده نشده است (Grimm et al, 2011: 7)

۱-۵. هویت متغیر چین به عنوان یک کشور عمده کمک‌کننده

چین هویت خود را به عنوان یک کشور عمده کمک‌کننده در طول زمان تغییر داده است. از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸ به عنوان یک کشور سوسیالیستی، از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۹ به عنوان یک کشور درحال توسعه و از سال ۲۰۰۰ به عنوان قدرت بزرگ درحال ظهور به ارائه کمک پرداخت که مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. اقتصاد روبه‌رشد چین راه را برای بازیابی موقعیت از دست رفته خود به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی هموار می‌کند. همانطور که دیوید لمپتون استدلال می‌کند، ظرفیت روبه‌رشد چین که در سال‌های گذشته ایجاد شد، نقش جهانی آن را تغییر داده و پیش‌بینی قدرت آن را در سال‌های پیش‌رو تقویت کرده است. این وضع سبب شده است که چین نه تنها قدرت نظامی، بلکه ابزارهای دیگر، مانند تامین مالی خارج از کشور و کمک‌های توسعه‌ای خود را گسترش بخشد (Lampton, 2014: 51-52). شناخته شدن به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی نه تنها مستلزم اقتصادی درحال‌رشد است، بلکه نیاز به یک تصویر مثبت جهانی برای جلب احترام سایر کشورها دارد.

از سال ۲۰۰۰، دولت چین مجموعه‌ای از مفاهیم جدید را با هدف خاموش کردن گفتمان تهدید چین و بهبود تصویر جهانی‌اش به تصویب رساند. در سپتامبر ۲۰۰۵، رئیس‌جمهور سابق چین، هو جینتاو، رسماً مفهوم ساختن جهانی هماهنگ را هنگام سخنرانی در شصتمین نشست سازمان ملل مطرح کرد. او اقدامات کمک قابل توجهی را اعلام کرد و متعهد شد که چین مایل به همکاری با جامعه بین‌المللی است که به نفع همه باشد و ارائه کمک‌های خارجی و احترام به تعهدات جهانی راهی مهم برای چین است تا تصویر خود را به عنوان یک قدرت بزرگ مسؤول معرفی کند و سهم خود را در ساختن جهانی هماهنگ نمایان سازد (Cheng, 2019: 9).

۲-۵. روش‌های نوآورانه و کیفی در ارائه کمک

همگام شدن با زمان و توجه به اصلاحات و ابتکارات از مهمترین نوآوری‌های کمک خارجی چین است. چین کمک‌های خارجی خود را با توسعه شرایط داخلی و بین‌المللی سازگار می‌کند و بلافاصله سازوکار مدیریت را تنظیم و اصلاح می‌کند تا به‌طور مداوم کار کمک خارجی خود را بهبود بخشد. از سال ۲۰۰۰، کمک‌های خارجی چین ویژگی‌های جدیدی را به نمایش گذاشته و اشکال کمک‌های خارجی آن تنوع بسیاری پیدا کرده است (State Council, 2011: 22).

از جمله نوآوری‌های چین در این عرصه، نهادسازی است. بدین معنا که این کشور، نهادها و رویه

های خاصی را در ارائه کمک خارجی ایجاد و ترویج کرده است. درحالی که بخش عمده‌ای از کمک‌های چین هنوز دوجانبه است، مشارکت‌های متنوع چین از سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. تاسیس صندوق کمک به همکاری جنوب-جنوب به عنوان یک نوآوری در سال ۲۰۱۵، گسترش مشارکت با سازمان ملل متحد و حمایت از ۸۲ پروژه تا پایان سال ۲۰۱۹ عمدتاً در فقرزدایی، کشاورزی و امنیت غذایی از این موارد است (Mulakala & Ji, 2021: 4).

از دیگر نوآوری‌های کمک چین وجود و ایجاد بندهایی در قراردادهای کمک است که عمدتاً تحمیلی از سوی چین به دریافت‌کنندگان کمک است و عموماً هم مربوط به مخفی نگه‌داشتن اطلاعات مرتبط با قراردادها می‌باشد. اما خود کمک‌گیرندگان هم نسبت به این بندها بی‌میل نیستند چراکه اولاً آنها سعی می‌کنند استقراض دولت را از مردمی که با مالیات آنها بازپرداخت‌ها انجام می‌گیرد، پنهان کنند. دوماً این امر مانعی برای شفافیت مالی و بودجه‌ای دریافت‌کنندگان است که عموماً از کشورهای هستند که شفافیت مالی در آنها وجود ندارد. سوم، با توجه به بدهکار بودن این کشورها این بندها، عاملی است که آنها می‌توانند وضعیت مالی واقعی دولت را از سایر طلبکاران پنهان کنند و این نوآوری، عاملی برای جذابیت بیشتر کمک‌های چین شده است (Bavier & Strohecker, 2021).

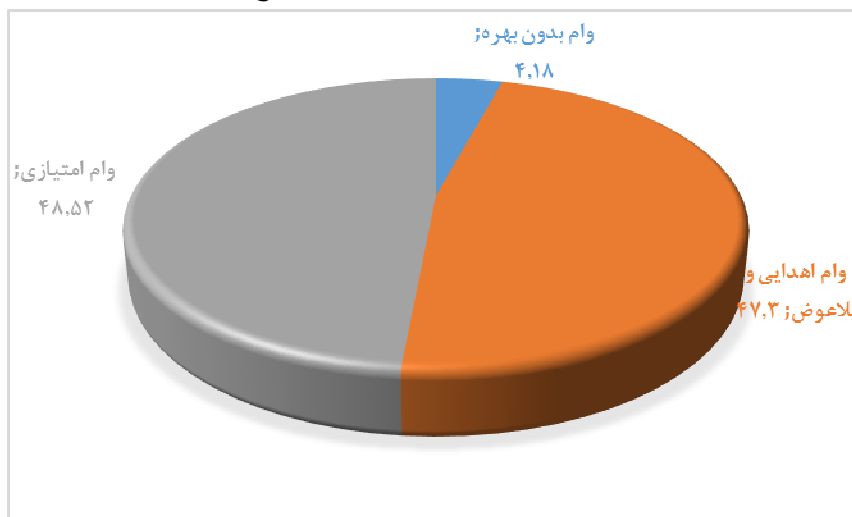
علاوه بر موارد فوق می‌توان به ابتکار کمربند و راه به عنوان یک نوآوری هم اشاره کرد که در خدمت اهداف چین عمل می‌کند. سند سفید ۲۰۱۴ این ابتکار را به عنوان یک کالای عمومی به جهان معرفی می‌کند. چین با تقویت تعهدات گسترده خود با پول نقد، تخصیص خود را از ۸۹.۳۴ میلیارد یوان (۱۴.۲ میلیارد دلار آمریکا) در سال ۲۰۱۰-۱۲ به ۲۷۰.۲ میلیارد یوان (۴۲.۶۹ میلیارد دلار) در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۸ افزایش داد. از زمان انتشار سند سفید در سال ۲۰۱۴، چین بخش اعطایی پرتفوی خود را از ۳۶.۲ درصد به ۴۷.۳ درصد افزایش داده و بخش وام امتیازی را از ۵۵.۷ درصد به ۴۸.۵۲ درصد کاهش داده است. همانطور که چندین اهداکننده کمک به نقش محوری کشورهای با درآمد متوسط در رشد و رفاه جهانی را تأکید کرده اند، چین نیز تخصیص کمک‌های خود به این کشورها را از ۳۳.۵ درصد به ۴۹.۶۴ درصد افزایش داده است (Mulakala & Ji, 2021: 3).

۳-۵. گسترش ابعاد کمی و کیفی کمک

طبق آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی شورای دولتی به عنوان مهمترین رکن تصمیم‌گیری چین که در سال ۲۰۲۱ انتشار یافته و به کمک‌های خارجی تا سال ۲۰۱۸ اشاره می‌کند مشخص می‌گردد که چین

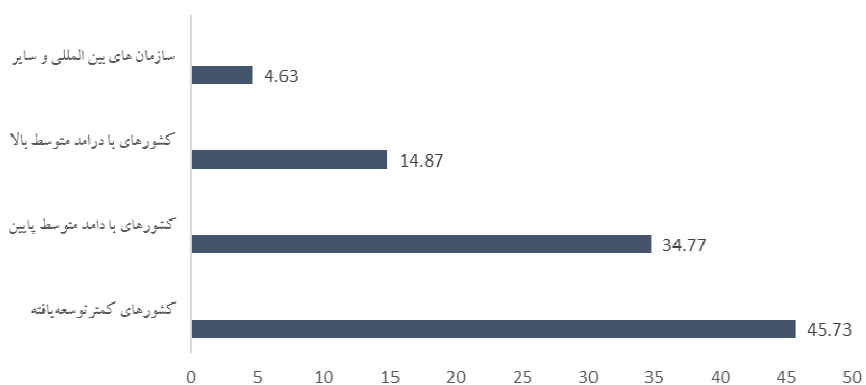
به‌طور پیوسته، مقیاس کمک را افزایش و دامنه کمک‌های خارجی خود را گسترش داده است. از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، چین در مجموع ۲۷۰.۲ میلیارد یوان برای کمک‌های خارجی در سه دسته کمک‌های بلاعوض، وام‌های بدون بهره و وام‌های امتیازی اختصاص داده است (State Council, 2021).

نمودار ۱-۲ کمک خارجی چین در سه نوع آن



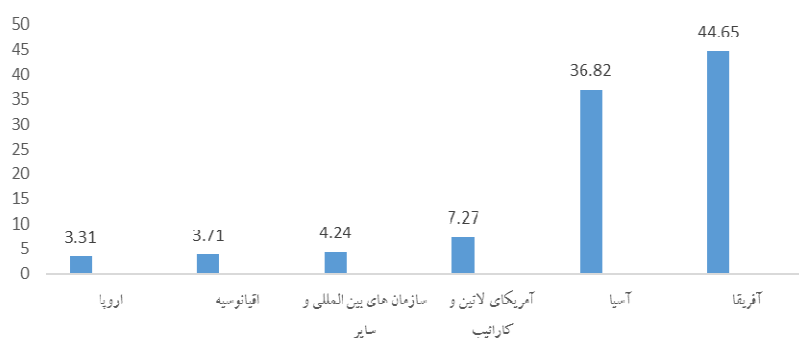
منبع: State Council 2021

نمودار ۲-۲ دریافت‌کنندگان کمک خارجی چین براساس گروه درآمدی



منبع: State Council 2021

نمودار ۲-۳. میزان کمک‌های خارجی چین براساس منطقه به درصد



منبع: State Council 2021

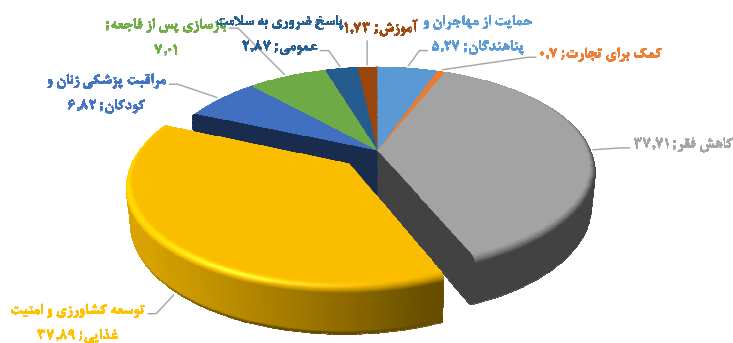
همانگونه که در نمودارهای (۱-۲)، (۲-۲) و (۳-۲) مشخص است چین بیشترین میزان و درصد کمک‌های خود را به کشورهای مناطق درحال توسعه و با درآمد متوسط به پایین عرضه داشته است که سهم کمک‌های دوجانبه نیز کاملاً مشخص است که در این میان بسیار بیشتر از کمک‌های بین‌المللی و چندجانبه با میزان ۴/۲۴ درصد است که این امر نمودی از پیروی از اصول خود به ویژه اصل همکاری جنوب-جنوب است که جز جدایی نشدنی از کمک‌های چین است. در این بین، کشورهای آفریقایی با دریافت ۴۴/۶۵ درصد از کمک‌ها، بالاترین رتبه در میان دریافت‌کنندگان کمک از چین را به خود اختصاص داده اند. همچنین چین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، به ۲۰ سازمان چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی و ۱۲۲ کشور در سراسر جهان؛ ۳۰ کشور در آسیا، ۵۳ کشور در آفریقا، ۹ کشور در اقیانوسیه، ۲۲ کشور در آمریکای لاتین و دریای کارائیب و ۸ کشور در اروپا کمک کرده است.

از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، چین به ۱۲۴ کشور و منطقه ۸۹۰ مورد کالا و مواد تحویل داده است که بیشتر آنها شامل تجهیزات مکانیکی، تجهیزات بازرسی، وسایل نقلیه حمل‌ونقل، دارو و تجهیزات پزشکی است. چین همچنین ۴۱۴ پروژه از این قبیل را در ۹۵ کشور و منطقه تکمیل کرده که عمدتاً شامل تولید و مدیریت صنعتی، کاشت و اصلاح کشاورزی، فرهنگ و آموزش، ورزش و آموزش، مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، توسعه انرژی پاک و برنامه‌ریزی و مشاوره

می‌شود. در حوزه همکاری در توسعه منابع انسانی، چین بیش از ۷۰۰۰ جلسه آموزشی و سمینار برای مقامات خارجی و پرسنل فنی و برنامه‌های آموزش ضمن خدمت برگزار کرده که در مجموع حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر را آموزش داده است. این پروژه‌ها بیش از ۱۰۰ موضوع را در ۱۷ زمینه شامل سیاست و دیپلماسی، مدیریت عمومی، توسعه ملی، کاهش فقر از طریق توسعه کشاورزی، مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، آموزش و تحقیقات علمی، فرهنگ و ورزش پوشش می‌دهند (State Council, 2021)

در حوزه کمک پزشکی و سلامت، تا پایان سال ۲۰۱۹، چین ۲۷۴۸۴ کارمند پزشکی را در ۱۰۶۹ گروه به ۷۲ کشور اعزام کرده است. در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰۰ کارمند پزشکی چینی در ۱۱۱ مرکز مراقبت‌های بهداشتی در ۵۵ کشور در سراسر جهان کمک می‌کنند. چین همچنین بیش از ۲۰۰۰۰ داوطلب جوان و معلمان داوطلب آموزش زبان چینی را برای کار در بیش از ۸۰ کشور در سراسر جهان گسیل کرده است. در حوزه کمک‌های بشردوستانه اضطراری نیز چین کمک‌های خود را به ۶۰ کشور گسترش داده است (State Council, 2021).

نمودار ۴-۲ کمک‌های چین در بخش‌های مختلف 2013-2018



منبع: State Council 2021

۶. تحلیل فرضیه: کمک خارجی و خیرش قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی چین

همان گونه که اشاره شد اهداف سیاسی مرتبط با قدرت در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، یکی از اهداف بارز کمک‌های خارجی چین است و سیاست خارجی و کمک چین برای تحکیم روابط با سایر کشورهای و ایجاد یک جبهه متحد با سایر کشورهای در حال توسعه کار می‌کند. از این منظر رهبران چین کمک خارجی را روشی مؤثر برای ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور می‌دانند (Shie, 2007).

برهمن‌منا، وزارت امور خارجه چین، کمک را به عنوان ابزاری درک می‌کند که به وسیله آن چین می‌تواند روابط دیپلماتیک دو و چندجانبه خود را با کشورهای دریافت‌کننده کمک تقویت کند. بنابراین چین از ارائه کمک‌های خود در سطح دو و چندجانبه اهداف مختلفی را پیگیری می‌نماید.

۶-۱. حوزه پیوندهای دو و چندجانبه

۶-۱-۱. پیگیری اصل چین واحد در برابر تایوان

موضوع تایوان به طور گسترده به عنوان یکی از اجزای اصلی سیاست خارجی چین شناخته شده است. چین منابع قابل توجهی را برای جلوگیری از برقراری روابط دیپلماتیک دیگر کشورها با تایوان و جلوگیری از پیوستن تایوان به سازمان‌های بین‌المللی که در آنها عضویت به عنوان یک کشور الزامی است، سرمایه‌گذاری کرده است زیرا معتقد است تایوان صرفاً یک استان مرتد چین است که در نهایت با سرزمین اصلی متحد خواهد شد. بنابراین، منزوی کردن تایوان و ترویج سیاست چین واحد، اغلب به عنوان یکی از انگیزه‌های راهبردی کمک‌های دوجانبه چین محسوب می‌شود. چین از کمک برای تحت فشار قراردادن کشورهای دریافت‌کننده برای بستن یا محدود کردن پیوندهای دریافت‌کننده با تایوان استفاده می‌کند. کمک خارجی توسط وزارت امور خارجه برای تعامل با کشورهایی که هنوز تایوان را به رسمیت می‌شناسند، نیز استفاده شده است. در این جا هدف این است که در نهایت در موضع

کشور دریافت‌کننده کمک، تغییر مطلوب صورت پذیرد (Zhang & Smith, 2017).

2335)

بر مبنای همین هدف چین به کشورهایی که روابط دیپلماتیک خود را با تایوان قطع نموده‌اند، کمک بیشتری ارائه کرده است که نمونه‌های آن را می‌توان در آمریکای لاتین و آفریقا به وضوح مشاهده نمود. با توجه به اینکه در آمریکای لاتین و دریای کارائیب، ۹ کشور از پانزده کشور تایوان را به رسمیت می‌شناسند، منطقی است که این منطقه نقشی کلیدی در این نبرد دیپلماتیک بین چین و تایوان بر عهده داشته باشد (Malacalza, 2019: 370-395). از این نظر، یکی از اهداف اصلی حضور روبه‌رشد چین در این منطقه، دستیابی به شناسایی دیپلماتیک این کشورهاست. کشورهایی که چین را به رسمیت نمی‌شناسند با عدم دریافت کمک چین مجازات می‌شوند و تایوان برای جبران هزینه به این کشورها کمک مالی کند. بنابراین کمک خارجی، با سیاست خارجی چین در پیگیری سیاست چین واحد می‌باشد چراکه کشورهایی که پایبندی به این موضوع ندارند حتی بعید است از کمک‌های بهداشتی و سلامت و بشردوستانه چین برخوردار شوند.

۲-۱-۶. مهار تهدیدهای امنیتی در آسیای مرکزی

مهمترین هدف چین از اعطای کمک به کشورهای آسیای مرکزی در راستای مهار تهدید در این منطقه است. هدف امنیتی گسترده چین در منطقه آسیای مرکزی ایجاد رژیم‌های باثبات و دوستانه است که از چین در استراتژی مبارزه با افراط‌گرایی و رادیکالیسم حمایت کنند و همچنین مانع از دست‌یابی جدایی‌طلبان در آسیای مرکزی و سین‌کیانگ به قدرت شوند. حفظ امنیت تجارت در داخل و خارج از منطقه نیز مد نظر است. چین امروز همه کشورهای منطقه را در گفتگوهای امنیتی مشارکت داده و همکاری امنیتی را هم از طریق سازمان همکاری شانگهای و مهمتر از آن همکاری دوجانبه افزایش داده است. این استراتژی یک جزء ژئوپلیتیکی نیز دارد به این صورت که با تعامل با کشورهای آسیای مرکزی، آنها بیشتر به

کمک و همکاری چین وابسته می‌شوند، که این خود در درازمدت نفوذ چین را افزایش خواهد داد (Swanstorm, 2015: 7).

نگرانی سیاستگذاران چینی این است که کاهش نفوذ در آسیای مرکزی اقتصاد، امنیت و ثبات چین را تهدید کند. برای چین، کمک‌های خارجی در اینجا به عنوان ابزاری برای حفظ نفوذ، اعتماد و حمایت بیشتر در منطقه عمل می‌کند. رئالیست‌های غربی نیز چنین نتایج مطلوبی را به عنوان تلاشی برای ایجاد موازنه در برابر سایر قدرت‌های فعال در محیط پیرامونی چین تفسیر می‌کنند در این راستا به ویژه موازنه در برابر آمریکا، روسیه، هند و ژاپن مد نظر است. در سال‌های اخیر یکی از کانون‌های بحران در آسیای مرکزی، بازگشت بازماندگان امارت اسلامی داعش به منطقه بوده است. براساس آمار گروه بحران بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر از آسیای مرکزی به داعش در سوریه ملحق شده بودند که با شکست این امارت و بازگشت نیروهای آن به منطقه، تهدید بروز بحران‌های امنیتی افزایش یافته است.

علاوه بر این، غیرممکن نیست که داعش به سمت آسیای مرکزی حرکت کند و به دنبال مناطق جدید استقرار باشد اگرچه در حال حاضر طالبان با جاه‌طلبی‌های داعش در افغانستان مخالف است و اعلام می‌کند که اهداف سیاسی آنها از مرزهای افغانستان فراتر نمی‌رود، اما احتمال همکاری آنها همچنان موضوع گمانه زنی‌ها در محافل مختلف است و اگر این امر محقق شود شرایط ناپایدار امنیتی به ویژه برای چین که در همسایگی این منطقه قرار دارد تشدید و تبعات اقتصادی (حمله به بندر گوادور) و سیاسی (ربوده شدن اتباع چینی) برای این کشور را در پی دارد (Bolonina, 2019: 14).

۳-۱-۶. ایجاد همگرایی و مهار تهدیدهای امنیتی در دریای چین جنوبی و شرقی

چین دریای چین جنوبی و شرقی را به طور سنتی بخشی از سرزمین اصلی خود دانسته که در گذشته هم به صورت نظام خراج‌گزاری، بر آنها کنترل داشته است. از این رو درصدد بازیابی نقش رهبری خود در این منطقه است تا بتواند با ایجاد نوعی همگرایی، این نقش را باز یابد.

بروز بحران‌های ۱۹۹۷، ۲۰۰۷ و بحران سارس و سونامی بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ فرصت مناسبی را برای چین فراهم کرد تا بتواند با ارائه کمک این همگرایی را تقویت نماید و به سمت نقش رهبری خود گام بردارد. در این راه البته ژاپن به عنوان رقیب چین مطرح است. در هر حال چین تلاش کرد از طریق ارائه طیف گسترده‌ای از کمک‌ها، نقش یک دولت مسئولیت‌پذیر را در منطقه بر عهده بگیرد و نگرانی کشورهای منطقه را درباره ماهیت اهداف چین برطرف نماید (Yeh, 2010: 98-100).

در راستای تلاش‌های چین در این منطقه برای مهار تهدیدها و ایجاد همگرایی مدنظر خود، کامبوج نمونه‌ای مناسب برای تایید این موضوع می‌باشد. چین تلاش‌های اساسی از طریق کمک‌های خارجی به این کشور انجام داده است و این را می‌توان تا حد زیادی به موقعیت ژئوپلیتیک کامبوج در دیپلماسی چین در جنوب شرقی آسیا نسبت داد. این موضوع در سال‌های اخیر آشکارتر می‌شود، زیرا چین با فشار فزاینده‌ای از سوی برخی از کشورهای آسه‌آن در خصوص مسائل حساس، مانند اختلافات دریایی با کشورهایی مانند فیلیپین و ویتنام بر سر قلمروی دریای چین جنوبی، مواجه است.

تلاش‌های چین در کامبوج موفقیت‌آمیز بوده است. کامبوج حمایت آشکاری را از چین ارائه کرده است، که حتی این حمایت به قیمت تحریک کشورهای عضو آسه‌آن در ژوئیه ۲۰۱۲، در نشست وزرای خارجه آسه‌آن در پنوم پن بود که برای اولین بار در تاریخ ۴۵ ساله خود اعلامیه مشترکی صادر نکرد و کامبوج به دلیل جانبداری از چین در مناقشات دریای چین جنوبی مقصر شناخته شد (Var, 2016: 10). نتیجه تلاش‌ها و کمک‌های خارجی ارائه شده چین به کامبوج و جهت‌گیری مثبت آن نسبت به چین در چندین مورد حساس قابل ردیابی است: از جمله صادر نکردن ویزا برای دالایی لاما که رهبر جدایی طلبان تبت شناخته می‌شود، سرکوب فعالان فالون گونگ در کامبوج در سال ۲۰۰۲ و عدم حمایت از کسب کرسی دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط ژاپن در سال ۲۰۰۵ (Ciorciari, 2015: 261-262).

۶-۱-۴. گسترش نفوذ چین در آفریقا

اگرچه عوامل اقتصادی و دستیابی به منابع در حال حاضر بر سیاست خارجی چین در قبال آفریقا تسلط دارند اما عوامل سیاسی هم همچنان نقش مهمی در این رابطه ایفا می‌کنند. چین با بسیاری از جنبش‌های آزادیبخش آفریقایی و نخبگان سیاسی روابط تاریخی دارد و این کمک‌ها حتی با حمایت از احزاب و حکومت‌های خاص هم تداوم یافته است. برای مثال، سائتر استدلال می‌کند که فعالیت‌های دو شرکت دولتی، شرکت ساخت‌وساز راه‌آهن چین CREC^{۱۲} و Sinohydro که توسط بانک چینی اگزیم تأمین مالی می‌شود، به پرزیدنت کابیلا کمک کرد تا در انتخابات ۲۰۱۱ در جمهوری دموکراتیک کنگو^{۱۳} پیروز شود. کابیلا با شعارهایی که شامل زیرساخت‌های جدید و بهتر بود، وارد کارزار انتخاباتی شد (Mthembu, 20-21: 2012, Salter)، اما بدون تلاش‌های برجسته چین و پروژه‌های گران‌قیمتی که از ناحیه کمک‌های چین تأمین مالی می‌شد، بخت کمی داشت که بتواند با آن‌ها رای دهندگان را تحت تأثیر قرار دهد.

چین علاوه بر کنگو در شماری دیگر از کشورهای آفریقایی نیز تلاش کرده است از طریق برنامه کمک خود، نامزدهای مطلوب را در انتخابات کشورهای این منطقه به قدرت برساند. نتایج این کمک‌ها به لحاظ سیاسی و بین‌المللی در مواردی که چین به حمایت بین‌المللی سیاسی نیاز داشته است اثر گذار بوده و توانسته حمایت کشورهای آفریقایی را برای خود کسب نماید. از مهمترین موارد حمایت کشورهای آفریقایی از چین مربوط به اعتراضات میدان تیان‌آن‌من است که این اعتراضات و کشتار معترضین، چین را دوباره در صحنه جهانی منزوی کرد اما در این بین کشورهای آفریقایی اقدامی جدی در راستای این انزوا صورت ندادند. پاسخ چین نیز این بود که کیان کیچن وزیر امور خارجه سابق چین پس از سرکوب، از ۱۴ پایتخت آفریقا بازدید کرد و کمک به این قاره بعد از این بازدید و عدم اقدام کشورهای

12. China Railways Construction Company

13. Democratic Republic of the Congo

آفریقایی در راستای انزوای چین به طرز چشمگیری افزایش یافت (Cheng & Shi, 2009).

همچنین از آنجایی که کشورهای آفریقایی دارای بزرگترین بلوک آرا در محیط‌های چندجانبه هستند پکن مشتاق توسعه روابط فعال با قاره آفریقا است. از نظر تاریخی، آرای آفریقا از قبل برای دیپلماسی چندجانبه پکن بسیار مهم بوده است. مهمتر از همه، چین به دلیل حمایت گسترده بلوک آفریقا، در اکتبر ۱۹۷۱ به عنوان یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، کرسی دائم را به دست آورد. اندکی پس از آن، چین کمک‌های خود را به ۲۳ کشور دیگر آفریقایی گسترش داد. همچنین، زمانی که نوبت به مسدود کردن قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در محکومیت نقض حقوق بشر در چین می‌رسد، کشورهای آفریقایی دریافت‌کننده کمک‌های چین به شدت از جمهوری خلق چین حمایت می‌کنند. از این‌رو، آفریقا، سکوی حمایت از منافع چین در صحنه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد (Alden, 2005:153).

۵-۱-۶. گسترش نفوذ چین در امریکای لاتین و دریای کارائیب

علاوه بر موارد اقتصادی اهداف سیاسی به ویژه امنیت و کسب حمایت دیپلماتیک کشورهای امریکای لاتین و کارائیب برای حفظ و افزایش موقعیت جهانی چین، تنظیم ارتباطات با کشورهای در حال توسعه در راستای اصل همکاری جنوب-جنوب چین، احترام و منافع متقابل، عدم تجاوز و عدم مداخله، رقابت با تایوان و ایجاد توازن در عرصه نظام بین‌الملل دارای اهمیت است (Florido, 2009: 6). در ارتباط با موضوع تایوان، شرکت‌ها و کارگران چینی در منطقه، هدیه‌ای از سوی دولت چین به کشورهای امریکای لاتین در ارتباط با تغییر موضع در به رسمیت شناختن دیپلماتیک از تایوان به جمهوری خلق چین هستند. نمونه این امر، ساخت استادیوم ورزشی ۸۹ میلیون دلاری در کاستاریکا بود که پس از به رسمیت شناختن دیپلماتیک این کشور از جمهوری خلق چین در ۱ ژوئن ۲۰۰۷ ایجاد شد و از آنجایی

که این استادیوم هدیه‌ای از طرف دولت چین بود، جمهوری خلق چین یک شرکت چینی با ۶۰۰ کارگر چینی برای اجرای پروژه انتخاب کرد. نمونه‌های دیگر عبارتند از ساخت یک استادیوم ورزشی چند منظوره در گرانا‌دا پس از تغییر موضع دیپلماتیک آن کشور در سال ۲۰۰۴، با ۵۰۰ کارگر چینی برای انجام کار، بوده است (Ellis, 2012: 11).

هدف چین در آمریکای لاتین و کارائیب که مهمتر از آفریقا است، ایجاد اتحادهای استراتژیک به عنوان بخشی از بهبود و ارتقای موقعیت جهانی چین است. در همین راستا مؤسسه‌های کنفوسیوس در آمریکای لاتین با هدف ترویج زبان، فرهنگ و تفکر چینی تأسیس شده‌اند (دو مؤسسه کنفوسیوس در مکزیک، یک مؤسسه در کلمبیا و سه مؤسسه در پرو). هدف چین با این پروژه‌ها، افزایش قدرت نرم خود در منطقه است چراکه مشارکت فزاینده چین در آمریکای لاتین به رقابت آمریکا و چین در این منطقه استراتژیک دامن می‌زند و همچنین ایالات متحده را به عنوان یک بازیگر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در منطقه به چالش می‌کشد (Gallagher, 2016).

علاوه بر موارد فوق در کشورهای حوزه آمریکای لاتین و کارائیب، پکن برای کسب حمایت از خود در مورد مسائلی مانند نقض حقوق بشر، روابط خود را با این کشورها تقویت می‌کند. همچنین روابط عمیق چین با کشورهای منتخب آمریکای لاتین و کارائیب روندهایی را تقویت کرده است که مغایر با ارزش‌ها و منافع ایالات متحده است. ارائه وام و فناوری‌های نظارتی توسط پکن به رژیم‌های اقتدارگرا و کشورهای دارای گرایش‌های غیردموکراتیک، توانایی این رژیم‌ها را برای کنترل و سرکوب جمعیت و مخالفان سیاسی خود تقویت می‌کند و این تلاش‌ها برای جلب حمایت دیپلماتیک کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب در موضوعات مربوط به نقض حقوق بشر و سرپیچی از قوانین بین‌المللی است. برای نمونه در سال ۲۰۱۶، زمانی که پکن از به رسمیت شناختن نتیجه داوری بین چین و فیلیپین در مورد ادعاهای غیرقانونی چین در دریای چین جنوبی خودداری کرد، دومینیکا، گرانا‌دا و ونزوئلا علناً از موضع چین حمایت کردند؛ در سال ۲۰۱۹، بولیوی، کوبا و ونزوئلا نامه مشترکی را به

شورای حقوق بشر سازمان ملل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل امضا کردند که در آن از نقض حقوق بشر چین در سین کیانگ دفاع کردند (Putz, 2019). یک سال بعد، کوبا، دومینیکا، گرانادا، نیکاراگوئه و ونزوئلا از بیانیه مشترک مشابهی در سازمان ملل از چین حمایت کردند؛ همچنین در سال ۲۰۲۰، بیانیه سازمان ملل در حمایت از تحمیل یکجانبه قانون امنیت ملی توسط چین در هنگ کنگ، نه تنها توسط کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا، بلکه توسط آنتیگوا و باربودا، دومینیکا و سورینام حمایت شد و سرانجام، در مارس ۲۰۲۱، رئیس‌جمهور چین از نخست‌وزیر ترینیداد و توباگو به خاطر حمایتش از پکن در مورد هنگ کنگ، سین کیانگ و تایوان قدردانی بسیار ویژه‌ای کرد (Xinhua, 2021).

۲-۶. حوزه نظم منطقه‌ای و بین‌المللی

۱-۲-۶. ترویج هنجارهای مطلوب چین در حوزه سیاست خارجی

چین تمایل دارد از مدل‌های توسعه تحت رهبری دولت که شبیه به مدل‌های خود هستند، استفاده کند. اینها به ویژه برای رژیم‌های اقتدارگرا و اقتدارگرای انتخاباتی آفریقا مانند اتیوپی، رواندا و اوگاندا جذاب بوده‌اند. چین صراحتاً رویکرد خود به کمک و توسعه را با رویکرد اهداکنندگان سنتی به ویژه ایالات متحده مقایسه می‌کند و با آن قابل رقابت می‌داند (Hanauer & Morris, 2014: 10). به‌طور کلی‌تر، رقابت بین قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده و چین برای برداشت‌های مطلوب در افکار عمومی جهانی امروز به‌طور فزاینده‌ای مشهود است و یکی از ویژگی‌های محوری نظم بین‌المللی در حال ظهور به حساب می‌آید (Goldsmith et al, 2014: 88).

کمک‌های خارجی چین تا حدی تحت تاثیر ارزش‌های کنفوسیوسی است. کنفوسیوس یا کنگ‌فوزی (۵۵۱ - ۴۷۹ قبل از میلاد) سنت چینی تفکر سیاسی را مدون کرد و به مشکل ایجاد نظم جهانی عادلانه پرداخت. مفاهیم کنفوسیوس از اخلاق، مهمترین عناصر در رفتار چین در سیاست خارجی است. آیین کنفوسیوس ارزش‌ها و ایده‌های مربوط به روابط انسانی،

ساختارهای اجتماعی، رفتار با فضیلت و اخلاق کاری را پوشش می‌دهد و این معیارهای کنفوسیوس به وضوح در روش کمک‌های خارجی چین نیز مشاهده می‌شود: (Feng, 2007: 18).

اعتقاد اصلی کنفوسیوس در زمینه کمک‌های خارجی امروز این است که هدف عالی دولت، دستیابی به جهانی از صلح و هماهنگی با حکمرانی خوب است. مکانیسم توسعه این جامعه جهانی ایجاد روابط با جوامع دیگر است. پنج شکل اساسی از روابط انسانی در آیین کنفوسیوس وارد عمل می‌شوند: (۱) حاکم به حکومت شونده؛ (۲) پدر به پسر؛ (۳) مرد به زن؛ (۴) برادر بزرگتر به برادر کوچکتر و (۵) دوست به دوست. رابطه بین چین به عنوان یک اهداکننده و کشور دریافت‌کننده به عنوان یک رابطه دوست به دوست در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، کمک‌های خارجی چین یک اقدام دوستی با هدف اصلی دستیابی به هماهنگی جهانی ترویج می‌شود. در چارچوب این دوستی، حاکم ایده‌آل براساس موازین اخلاقی خیرخواهی نسبت به مردم عادی حکومت می‌کند و از این رو قادر خواهد بود هماهنگی در خانواده، ثبات در یک پادشاهی و صلح در جهان را حفظ کند. یکی دیگر از جنبه‌های مرتبط با کنفوسیوس این است که معتقد است رهبران باید بر آموزش افراد برای تقویت و توسعه بیشتر اخلاق انسانی تکیه کنند. این رویکرد با سیاست کمک خارجی چین مرتبط است. علاوه بر این، اندیشه کنفوسیوس زمینه‌ای را برای مفهوم همکاری برد-برد و سود متقابل فراهم می‌کند (Lengauer, 2011: 43).

۶-۲-۲. جذاب‌سازی تصویر چین و تقویت قدرت نرم آن در عرصه بین‌المللی

توسعه سریع چین باعث ایجاد گفتمان‌های متعدد تهدید چین شده است. به عنوان یک اقدام متقابل، دولت چین مفهوم توسعه صلح‌آمیز را که در سال ۲۰۰۴ به تصویب رسید، ارائه کرد. همچنین شی‌جین‌پینگ مدت کوتاهی پس از رئیس‌جمهور شدن، بر اهمیت سرمایه‌گذاری بیشتر در قدرت نرم برای تقویت نفوذ چین در جهان تاکید کرد و در چهارمین کنفرانس مرکزی کار مرتبط با امور

خارجی اظهار داشت که «ما باید قدرت نرم چین را افزایش، روایت خوبی از چین ارائه و پیام چین را بهتر به جهان منتقل کنیم» این تلاش‌ها نتیجه داده است و چین به دلیل سرعت و هزینه نسبی کم پروژه‌های کمکی خود، و تمرکزش بر طرح‌های زیرساختی در مقیاس بزرگ، به ویژه در بخش‌های حمل‌ونقل و برق که سایر اهداکنندگان اغلب از آنها غفلت می‌کنند، ستایش شده است (Brazys & Dukalskis, 2019: 1).

درواقع این کمک‌ها با هدف ایجاد حمایت از چین و انتقال اصول سیاسی در راستای جهان‌بینی همان کشور ترویج و حمایت می‌شوند. با گذشت زمان، کمک‌ها، جمعیت دریافت‌کننده و دولت‌های آن‌ها را وادار می‌کند که به طور فزاینده‌ای از اهداف سیاست خارجی چین استقبال کنند، تا جایی که آن‌ها چیزی را بخواهند که چین طلب می‌کند (Brazys & Dukalskis, 2019).

دولت چین در راستای نشان دادن مسئولیت‌پذیری خود، کمک‌هایش را در بخش بهداشتی به عنوان روشی مهم برای نشان دادن وظیفه اخلاقی و بهبود وجهه جهانی‌اش در نظر گرفته است. چین کمک‌های خارجی خود را در زمینه کالاهای عمومی، مانند بهداشت و تغییرات آب‌وهوایی افزایش داده است. چین ۳۰ مرکز پیشگیری و درمان مالاریا در آفریقا تأسیس کرده و داروهای ضد مالاریا آرتیمیسینین را به ارزش ۲۹.۳ میلیون دلار (۱۹۰ میلیون یوان) به کشورهای آفریقایی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ اهدا کرد (State Council, 2011: 22). کمک ۲۹ میلیون دلاری چین در سال ۲۰۱۷ برای کمک به پناهندگان سوری نیز در همین راستا ارائه شده است (Gong, 2021: 240). علاوه‌براین در دوران پاندمی کرونا چین بیش از ۴/۲ میلیارد لباس محافظ، ۸/۴ میلیارد کیت آزمایش و ۳۷۲ میلیارد ماسک، و سایر تجهیزات مورد نیاز برای مبارزه با ویروس کرونا، به ۱۵۰ کشور و ۱۳ سازمان بین‌المللی ارائه کرد. همچنین ۳۷ گروه متخصص پزشکی چینی به ۳۴ کشور اعزام شدند (CIDCA, 2022).

جدا از افزایش حمایت از اقدامات بشردوستانه، چین در محیط‌های درگیر برای نشان دادن چهره‌ای جذاب، مثبت و مسئولانه به عنوان یک قدرت در حال ظهور در واکنش به مخاطرات طبیعی در سایر کشورها فعال‌تر شده است. زلزله نپال در سال ۲۰۱۵ برای اولین بار شاهد مشارکت بسیاری از

گروه‌های امدادی غیردولتی چین در یک عملیات برون مرزی بود؛ پس از فروریختن یک سد برق آبی در جنوب لائوس در ژوئیه ۲۰۱۸، یک تیم پزشکی نظامی چینی دو روز پس از وقوع سیل مرگبار به محل فاجعه رسید؛ پس از زلزله و سونامی اندونزی در سپتامبر ۲۰۱۸، شرکت‌های مخابراتی چینی، تیم‌های فنی اضطراری را برای بازگرداندن زیرساخت در مناطقی که بیشترین آسیب را دیده بود، به محل اعزام کردند (Gong: 2021: 240).

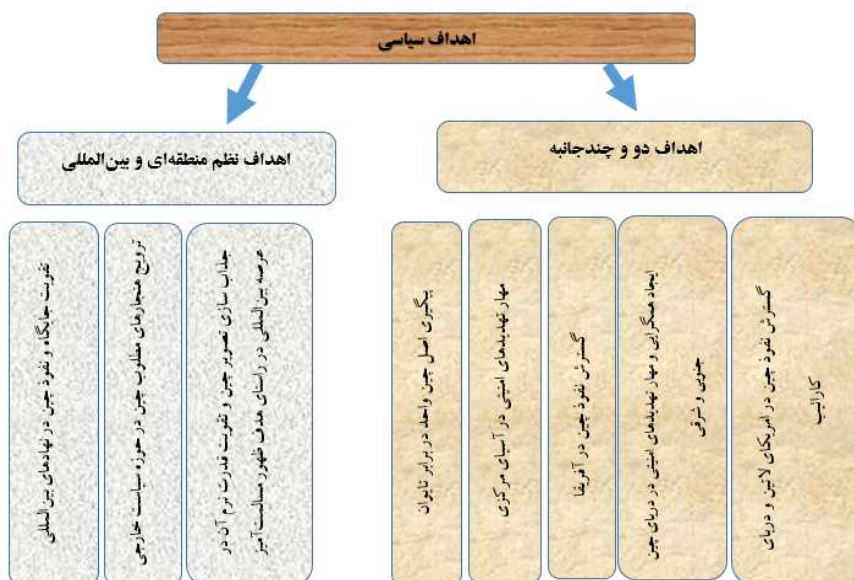
۳-۲-۶. تقویت جایگاه و نفوذ چین در نهادهای بین‌المللی

چین از کمک‌های خارجی برای جلب حمایت سیاسی در رویدادهای دیپلماتیک سطح بالا، تأثیرگذاری بر رأی‌گیری در مجامع بین‌المللی و تشکیل ائتلاف‌ها در سازمان‌های بین‌المللی استفاده می‌کند. برنامه کمک خارجی چین بخشی از روند مستمر چین برای تثبیت خود در جهان و نظام بین‌الملل بوده است. این هدف نه تنها در همبستگی با شرکای جنوبی خود، بلکه در صحنه جهانی، جایی که برنامه کمک به عنوان نمادی از قدرت نرم برای ایجاد اعتبار و رهبری چین می‌باشد، عمل کرده است (Gill & Huang, 2006). نمونه این امر، آرای آفریقایی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که سهم مهمی در الحاق جمهوری خلق چین به شورای امنیت سازمان ملل متحد در اکتبر ۱۹۷۱ داشت. در ادامه چین تمایل فزاینده‌ای برای نشان دادن ظهور خود به عنوان یک بازیگر کلیدی در صحنه جهانی و حضور خود به عنوان یک بازیگر مهم در سازمان‌های چندجانبه مانند سازمان تجارت جهانی یا سازمان ملل داشته است.

امروز حضور و نقش چین در جامعه بین‌المللی به ویژه در نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و نهادهای چندجانبه منطقه‌ای که در کنار اصول حاکمیت مطلق، عدم مداخله و همزیستی مسالمت‌آمیز آن بسیار احساس می‌شود، قابل توجه است (Sterling, 2017: 28) البته چین درحالی‌که در موسسات و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موجود برای افزایش قدرت چانه‌زنی و نفوذ شرکت می‌کند، در حال ایجاد جایگزین‌هایی نهادی است که متناسب با نیازهای خود نیز باشد. (Mazarr et al, 2018: 90).

در نمودار زیر، جمع‌بندی مباحثی که در تحلیل پیوند میان کمک خارجی چین و پیگیری اهداف مرتبط با خیزش قدرت این کشور مطرح شد، ارائه شده است.

شکل ۱-۴ اهداف سیاسی کمک چین



منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

اهداف سیاسی همواره از مهمترین اهداف ارائه کمک از سوی اهداکنندگان کمک بوده است که چین هم از این قضیه مستثنی نیست. چین این اهداف را در قالب اهداف سیاسی مرتبط با روابط دو و چندجانبه و اهداف سیاسی مرتبط با نظم منطقه‌ای و بین‌المللی پی می‌گیرد. در رابطه با اهداف سیاسی دو و چندجانبه آنچه که مشخصاً قابل ذکر است تنوع در اهداف سیاسی چین در ارائه کمک به مناطق مختلف و کشورهای در حال توسعه به ویژه در کشورهای آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و دریای کارائیب، آفریقا و دریای جنوبی و جنوب شرقی چین است. عمدتاً دغدغه چین در آسیای مرکزی مرتبط با دغدغه‌های امنیتی ناشی از افراط‌گرایی و رادیکالیسم مذهبی و قومی مرتبط با استان

سین کیانگ این کشور و ارتباطشان با کشورهای آسیای مرکزی است که درصدد ایجاد ثبات و کسب امنیت برای خود از ارائه کمک به این منطقه است. در حوزه دریای جنوبی و جنوب شرقی، تامین امنیت مورد نظر چین، باز هم نقش مهمی در ارائه کمک ایفا می‌نماید و در کنار این دغدغه امنیتی، پکن به دنبال بهبود چهره خود از یک کشور تهدید کننده به یک کشور مسئولیت پذیر است تا زمینه همگرایی مطلوب با محوریت خود در این منطقه را رقم بزند. در حوزه کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین نیز کسب رای و حمایت دیپلماتیک و افزایش نفوذ از اهداف چین در ارائه کمک به این مناطق است.

اما در حوزه اهداف سیاسی مرتبط با نظم بین‌المللی آنچه که چین از ارائه کمک پی می‌گیرد در حوزه ایجاد و بهبود چهره خود به عنوان یک چهره مسئولیت‌پذیر بین‌المللی در راستای خنثی کردن گفتمان تهدید چین، افزایش قدرت چانه زنی و وزن خود در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی جهت به چالش کشیدن قدرت آمریکا و جذاب سازی تصویر خود به عنوان یک قدرت جایگزین و قابل اعتماد و اتکا در نظام بین‌المللی است. طبیعی است که ارزیابی میزان موفقیت چین در دستیابی به اهداف مورد نظر در ارائه کمک خارجی، از حوصله این مقاله خارج است و حتی ممکن است شواهدی را ارائه کرد که برنامه های کمک خارجی چین سوء تفاهم هایی را برانگیخته و حتی بعضاً ممکن است نتایج ناخواسته و نامطلوبی را به همراه داشته است؛ موضوعی که درباره سرنوشت همه برنامه های کمک کشورهای کمک کننده قابل طرح است. اما در هر حال، مقاله تلاش کرد خطوط پیوند دهنده میان برنامه کمک خارجی چین را در پیگیری اهداف سیاسی مرتبط با خیزش قدرت چین در عرصه روابط دو و چندجانبه و نظم بین‌المللی به تصویر بکشد.

منابع

- کوهن، تئوداریچ (۱۳۹۷) *اقتصاد سیاسی جهانی*. ترجمه عادل پیغامی، ترانه ریسمانچیان و محمد ریسمانچیان. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- میرترابی، سعید؛ ساری اصلانی، مهتاب (۱۳۹۹) «تحولات اقتصاد سیاسی چین و افزایش سریع کمک‌های خارجی آن به آفریقا»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. ۹ (۳۵)، صص ۲۸۱-۲۵۱.
- میرترابی، سعید (۱۳۹۹) «چالش چین در برابر ایالات متحده؛ رقابت بر سر جایگاه و الگوی ارائه کمک خارجی»، *روابط خارجی*. ۱۲ (۲)، صص ۲۱۶-۱۸۸.

Alden, C. (2005). "China in Africa", *Survival*, 47(3), pp 147-164.
DOI: [10.1080/00396330500248086](https://doi.org/10.1080/00396330500248086).

- Bluhm, R; Fuchs, A; Strange, A; Dreher, A; Parks, B. & Tierney, M.J. (2020). Connective Financing - Chinese Infrastructure Projects and the Diffusion of Economic Activity in Developing Countries, *CESifo Working Paper. No.8344*.
- Bueno, M. B. & Smith, A. (2016). "Competition and Collaboration in aid-for-policy Deals", *International Studies Quarterly*, 60(3), pp 413-426.
- Bavier, J. & Strohecker, K. (2021). *An election, a mine deal and China loom over Zambia's IMF talks*. Reuters. <https://www.reuters.com/article/us-zambia-debt-imf/an-election-a-minedeal-and-china-loom-over-zambias-imf-talks idUSKBN2AB0E3>.
- Bolonina, A. (2019). "Security Dimension of China's Presence in Central Asia", *Asia Focus*, 108, pp 1-20.
- Brazys, S. & Dukalskis, A. (2019). "Rising Powers and Grassroots Image Management: Confucius Institutes and China in the Media", *The Chinese Journal of International Politics*, 12(4), pp 557-584.
- Cheng, Ch. (2019). The logic behind China's Foreign Aid Agency. *Carnegie Endowment for International Peace 21*.
- Cheng, J. YS. & Shi, H. (2009). "China's African Policy in the Post-Cold War Era", *Journal of Contemporary Asia*, 39(1), pp 87-115.
- Ciorciari, J. D. (2015). "A Chinese Model for Patron-client Relations? The Sino-Cambodian partnership", *International Relations of the Asia-Pacific*, 15(2), pp 245-278.
- CIDCA, (2022). China's Foreign Aid and International Development Cooperation in a COVID-19 Pandemic World. http://subsites.chinadaily.com.cn/cidca/2022-06/14/c_770501.htm.
- Dietrich, S; Mahmud, M & Winters, M. S. (2017). "Foreign Aid, Foreign Policy, and Domestic Government Legitimacy: Experimental Evidence from Bangladesh", *The Journal of Politics*, 80(1), pp 133-148.
- Ellis, E. (2012). "The Expanding Chinese Footprint in Latin America New Challenges for China, and Dilemmas for the US", *IFRI*, 49.
- Florida, E. (2009). "Current Economic Relation between China and Latin America", *V.R.F. Series*, 448, pp 1-48.
- Feng, H. (2007). *Chinese Strategic Culture and Foreign Policy Decision-Making: Confucianism, Leadership and War*, London & New York, Routledge.
- Goldsmith, B. E; Horiuchi, Y. & Wood, T. (2014). "Doing well by doing good: The impact of foreign aid on foreign public opinion", *Quarterly Journal of Political Science*, 9(1), pp 87-114.
- Grimm, S; Rachel, R; McDonald, M. & Schickerling, E. (2011). *Transparency of Chinese Aid an Analysis of the Published Information on Chinese External Financial Flows*. What You Fund. It analyses information on external financial flows.

- Gallagher, K. (2016). *The China Triangle: Latin America's China Boom and the Fate of the Washington Consensus*, Oxford, Oxford University Press.
- Gong, L. (2021). "Humanitarian diplomacy as an instrument for China's image-building", *Asian Journal of Comparative Politics*, 6(3), pp 238-252.
- Hanauer, L. & Morris, L. J. (2014). *Chinese engagement in Africa: Drivers, reactions, and implications for US policy*, Rand Corporation.
- Kumar, R. (1983). "The Brandt Commission Report 1983: A Blueprint for World Recovery", *Bulletin of Peace Proposals*, 14(3), pp 283-288.
- Kilby, P. (2018). China and United State as aid donors. *East-West Center, Policy Studies*, (77).
- Lum, T. (2009). China's Foreign Aid Activities in Africa, Latin America, and Southeast Asia, *Congressional Research Service*. 1-25. <https://sgp.fas.org/crs/row/R40361.pdf>.
- Lancaster, C. (2007). *The Chinese aid system*, Washington, DC, Center for Global Development.
- Liyun, L. (2005). "Guoji Zhengzhixue Lilun shijiao xia de Duiwai Yuanzhu, Foreign Aid from the Perspective of Theories", *International Politics*, 10(2), pp 83-88.
- Lampton, D. M. (2007). "The faces of Chinese power", *Foreign Affairs*, 86(1), pp 115-127.
- Lengauer, S. (2011). "China's Foreign Aid Policy: Motive and Method", *Culture Mandala: Bulletin of the Centre for East-West Cultural and Economic Studies*, 9(2), pp 35-81.
- Mazarr, M. J; Timothy, R. H. & Cevallos, A. S. (2018). *China and the international order*, Rand Cooperation.
- Mesquita, B. & Alastaria, S. (2016). "Competition and Collaboration in Aid-for-Policy Deals", *International Studies Quarterly*, 60(3), pp 416-432.
- Morgenthau, H. (1962). "A Political Theory of Foreign Aid", *The American Political Science Review*, 56(2), pp 301-309.
- Mulakala, A. & Ji, H. (2021). *Insights on China's 2021*, White Paper on International Development Cooperation.
- Malacalza, B. (2019). "What led to the Boom? Unpacking China's Development Cooperation in Latin America", *World Affairs*, 182(2), pp 370-403.
- Mthembu Salter, G. (2012). *Goodwill and Hard Bargains: The DRC, China and India*, SAIIA Occasional Paper 114. Johannesburg, South Africa: South African Institute of International Affairs.
- Nowak, W. (2015). "China's Development Aid Strategies", *Chinese Business Review*, 14(4), pp 201-209.

Nelson, J. M. (1968). *Aid Influence and Foreign Policy*, New York, The Macmillan Company.

Putz, C. (2019). "Which Countries Are For or Against China's Xinjiang Policies?", *Diplomat*. <https://thediplomat.com/2019/07/which-countries-are-for-or-against-chinas-xinjiang-policies/>.

Pankaj, A. K. (2005). "Revisiting Foreign Aid Theories". *International Studies*, 42(2), PP 104-121.

State Council. (2011). *China's Foreign Aid*, White Paper 2011. http://english.www.gov.cn/archive/white_paper/2014/09/09/content_281474986284620.htm.

State Council. (2021). *Information Office of the People's Republic of China. "China's international development cooperation in the new era.* White Paper 2014. https://english.www.gov.cn/archive/whitepaper/202101/10/content_WS5ffa6bbbc6d0f72576943922.html.

Shie, T. R. (2007). "Rising Chinese influence in the South Pacific: Beijing's 'Island Fever'", *Asian Survey*, 47(2), pp 307-326. doi.org/10.1525/as.2007.47.2.307.

Sterling, D. P. (2017). "China's Role and Status in International Society: Should Its Rise Be Perceived as a 'Threat'?", *Eurasian Journal of Social Sciences*, 5(4), pp 23-33.

Thapa, I. (2020). *Foreign Aid: Positive and Negative Impact in Developing Countries*. Master in Public Administration (MPA) Public Administration Campus, Trbhuvan University.

Var, V. (2016). *Holding the Balance Between the Superpowers: Cambodia's Strategy for Development (Master's dissertation)*, Strategic Studies Institute, United States Army War College, Carlisle, PA.

Xinhua. 2021. Xi Eyes Closer Partnership with Trinidad and Tobago. March 17. http://www.xinhuanet.com/english/2021-03/17/c_139815142.htm.

Yeh, H. C. (2010). *Norms and their implications for the making of China's foreign aid policy since 1949: Case studies of Southeast Asia, Africa and Latin America*. Diss, University of Sheffield.

Zhang, Y; Gu, J. & Chen, Y. (2015). China's engagement in international development cooperation: The State of the Debate, *IDS Evidence Report*; 116. IDS. <https://opendocs.ids.ac.uk/opendocs/handle/20.500.12413/5838>.

Zhang, D. & Smith, G. (2017). "China's foreign aid system: structure, agencies, and identities", *Third World Quarterly*, 38(10), pp 2330-2346. <https://doi.org/10.1080/01436597.2017.1333419>